

عصر صفوی آشنایی با دو کتاب رجال از



کتاب الرجال شیخ خر عاملی و

الوجیزة فی الرجال علامه مجلسی

سعید طاوسی مسرور

مقدمه

علم رجال دانشی است که ما را از اوضاع روحی، فکری، عقاید و انضباط عملی راویان حدیث و شریاطی که موجب قبولی یا عدم قبولی روایات آنان است، آگاه می‌سازد و زمینه استفاده از «سنت» را فراهم می‌کند. از این رو، این دانش در میان شیعیان، از عصر پیشوایان معصوم علیهم الصلوة والسلام تا به حال مورد توجه بوده و در قرون مختلف کتب متعددی در این فن تألیف شده است. آ کتب رجالی شیعه^۱ را می‌توان بدین شکل دسته‌بندی کرد:

- منابع اولیه غیر موجود: مانند رجال عبدالله بن جبلة کنانی (م ۲۱۹ هق)؛ رجال حسن بن علی بن فضال (م ۲۲۴ هق)؛ رجال حسن بن محبوب (م ۲۲۴ هق)؛ تاریخ الرجال از احمد بن علی علوی عقیقی (م ۲۸۰ هق)؛ معرفة الناقلین از محمد بن مسعود عیاشی (م ۳۲۰ هق)؛ رجال شیخ کلینی (م ۳۲۹ هق)؛ رجال علی بن احمد بن محمد عقیقی (قرن چهارم)؛ الاشتمال فی معرفة الرجال از ابن عیاش احمد بن محمد جوهری بغدادی (م ۴۰۱ هق).

- منابع اولیه موجود: طبقات مشهور به رجال برقی منسوب به احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ هق)؛ رجال ابن -



۱. کتاب الرجال

شیخ محمدبن حسن حرّ عاملی، الرجال، تحقیق: علی فاضلی، قم: دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۸۵.

مؤلف کتاب

محمدبن حسن بن علی بن حسین مَشْغَری^۱ معروف به شیخ حر عاملی (۱۰۳۳ - ۱۱۰۴ هـ) از عالمان اخباری دوره صفوی است که در سال ۱۰۷۳ هـ از جبل عامل به ایران مهاجرت کرد و در مشهد مقیم شد و در همان جا درگذشت و در حرم رضوی به خاک سپرده شد. او به دلیل نگارش کتاب تفصیل و سائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة شهرت قابل توجهی در محافل علمی - دینی شیعه داشته و دارد.

وی ۴۰ سال از عمر خود را در جبل عامل گذراند و در محضر پدر، جد مادری و عموی خود و بسیاری از دانشمندان آن دیار، دانش اندوخت. پس از آن به ایران آمد و در اصفهان با علامه محمدباقر مجلسی دیدار کرد. او به دربار صفوی نیز رفت و آمد داشت و منصب شیخ الاسلامی و قضای مشهد را به عهده گرفت. با آن که وی به ایران هجرت کرد، اما سخت به وطنش علاقه‌مند بود، چنان که در مقدمه اهل الأمل، برای برتری جبل عامل بر دیگر سرزمین‌ها، هشت دلیل ذکر کرده است.

شیخ حر عاملی را می‌توان قهرمان متنفذ آموزه اخباری‌گری دانست، زیرا وی با پرهیز از هر گونه بحث جدلی بر ضد مجتهدان به‌شدت از اخباری‌گری هواخواهی و آن را تقویت کرد و حتی شیخ مفید و شریف مرتضی را ضد اصولی‌گری دانست. وی در شمار نخستین کسانی است که کوشید تفاوت‌های اخباریان و اصولیان را برشمارد و نشان دهد که تفاوت این دو مکتب، تفاوت لفظی ساده‌ای نیست. او بر همه ابزارهای عقلی استنباط احکام تاخت و برای توسعه اخباری‌گری، مجموعه بزرگی از اخبار امامیه به نام وسائل الشیعه فراهم آورد.

او در زمان خود از برجسته‌ترین مخالفان تصوف به شمار می‌رفته و کتاب الاثنی عشریة فی الرد علی الصوفیة را در این زمینه تألیف کرده است. وی در این کتاب هزار حدیث از معصومان علیهم السلام که در رد صوفیان است، گرد آورد.

برخی از دیگر آثار شیخ حر عاملی

الجواهر السنیة فی الاحادیث القدسیة^{۱۱} الفوائد الطوسیة؛
الصحیفة الثانیة من ادعیة علی بن الحسین علیهما السلام؛

عقده (م ۳۳۳ هـ)؛^۵ معرفة الناقلین عن الائمة الصادقین علیهم الصلوة و السلام^۶ مشهور به رجال کشی^۷ (نیمه اول قرن چهارم)؛ رساله فی آل اعین از ابی‌غالب زراری (م ۳۶۸ هـ)؛ مشیخه صدوق در من لا یحضره الفقیه (م ۳۸۱ هـ)؛ تکملة رساله ابی‌غالب زراری از ابوعبد الله حسین بن عبیدالله غضائری (م ۴۱۱ هـ)؛ رجال ابن غضائری، ابوالحسنین احمدبن حسین بن عبیدالله (نیمه اول قرن پنجم)؛^۸ فهرست اسماء مصنفی الشیعة مشهور به رجال نجاشی (م ۴۵۰ هـ)؛ رجال شیخ طوسی (م ۴۶۰ هـ)؛ فهرست شیخ طوسی؛ مشیخه شیخ طوسی در تهذیب الاحکام و استبصار.



– منابع ثانویه: فهرست شیخ منتجب‌الدین رازی (م بعد از ۵۸۵ هـ)؛ معالم العلماء فی فهرس کتب الشیعة و اسماء المصنفین از ابن شهر آشوب مازندرانی (م ۵۸۸ هـ)؛ رجال ابن داود حلی (م بعد از ۷۰۷ هـ)؛ خلاصة الاقوال فی علم الرجال از علامه حلی (م ۷۲۶ هـ).

– جوامع و کتب رجالی متأخر: مانند مجمع الرجال از زکی‌الدین عنایة الله قهبائی (قرن یازدهم)؛ نقد الرجال (تألیف ۱۰۱۵ هـ) از سیدمصطفی تفرشی؛ منهج المقال، تلخیص المقال (تلخیص الاقوال) و الوجیز از سیدمیرزا محمدبن علی استرآبادی (م ۱۰۲۸ هـ)؛ جامع الرواة از محمدبن علی اردبیلی (م ۱۱۰۱ هـ)؛ رجال شیخ حر عاملی (م ۱۱۰۴ هـ)؛ الوجیزة فی الرجال از علامه مجلسی (م ۱۱۱۰ یا ۱۱۱۱ هـ)؛ منتهی المقال فی احوال الرجال از ابوعلی محمدبن اسماعیل حائری (م ۲۱۵ یا ۱۲۱۶ هـ)؛ توضیح المقال فی احوال الرجال از ملاعلی کنی (م ۱۳۰۶ هـ)؛ طرائف المقال از سیدمحمد شفیع جابلقی بروجردی (م ۱۳۱۳ هـ)؛ روح الجوامع از شیخ محمدباقر بهاری همدانی (م ۱۳۳۳ هـ)؛ بهجة الآمال از شیخ علی علیاری تبریزی (م ۱۳۲۷ هـ)؛ رجال شیخ علی خاقانی (م ۱۳۳۴ هـ)؛ رجال شیخ محمدباقر زنجانی مشهور به مقدس (م ۱۳۴۱ هـ)؛ تنقیح المقال فی معرفة الرجال از شیخ عبدالله مامقانی (م ۱۳۵۱ هـ)؛ سماء المقال فی علم الرجال از ابوالهدی کلباسی (م ۱۳۵۶ هـ)؛ معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة از آیه‌الله العظمی سیدابوالقاسم خوئی (م ۱۴۱۱ هـ)؛ قاموس الرجال از شیخ محمدتقی شوشتری (م ۱۴۱۵ هـ).^۹

از این میان، به معرفی دو میراث رجالی عصر صفوی از دو عالم مشهور آن دوره؛ شیخ حر عاملی و علامه مجلسی می‌پردازیم:

هدایة الامة الی احکام الائمة؛ من لا یحضره الامام؛ اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات؛ الايقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة؛ کشف النغمیة فی حکم التسمیة؛ رساله در خلق کافر؛ رساله جمعه؛ رساله در غنا؛^{۱۱} رساله درباره استعمال توتون و حرمت قهوه؛^{۱۲} نزهة الاسماع فی حکم الاجماع؛ رساله در تواتر قراءات؛ رساله در احوال صحابه؛ رساله در تزیه معصوم از سهو و نسیان؛ بدایة الهدایة؛ الفصول المهمة فی اصول الائمة؛ دیوان شعر؛^{۱۴} کتاب العربية العلویة و اللغة المرویة.^{۱۵}

روش مؤلف در تنظیم کتاب

مؤلف در مقدمه کوتاه خود، این کتاب را چکیده احوال رجال از ممدوحان و مذمومان معرفی کرده و روش خود در تنظیم کتاب را بیان کرده است. ترتیب رجال در این کتاب بر اساس نام راویان به ترتیب حروف الفبا است و به هر حرفی از حروف الفبا یک باب اختصاص داده شده است. این بخش از کتاب حاوی اسامی ۱۶۴۶ راوی است (نک. ص ۳۳، ۲۶۲). در انتهای این ابواب، ۳ باب به عناوین ذیل قرار گرفته است:

۱. باب کنیه‌ها (ابو الأحوص المصري، ابو أسامة و ...) شامل ۱۷۶ کنیه.

۲. افرادی که نامشان با این شروع می‌شود (ابن أبی الجعد، ابن أبی جید، و ...) شامل ۳۹ نام.

۳. باب نسب و القاب (الأحمري، الأحول و ...) شامل ۶۱ لقب (صص ۲۶۳ - ۲۸۳).

مؤلف به جهت رعایت اختصار علائمی را برای منابع پر بسامد در نظر گرفته که در مقدمه به این علائم اشاره کرده و در متن کتاب از آن‌ها استفاده می‌کند.

علائم اختصاری این کتاب به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. کتب رجال: برای نمونه:

صه: خلاصة الاقوال علامه حلی.

ست: الفهرست شیخ طوسی.

جیح: رجال شیخ طوسی.

د: رجال ابن داود.

و

۲. علائمی که نشان‌دهنده اصحاب هر یک از ائمه علیهم السلام هستند: برای نمونه:

ضا: اصحاب امام رضا علیه السلام

ری: اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام

لم: کسانی که از ائمه علیهم السلام روایت نکرده‌اند.

و

گفتنی است که مؤلف گاهی در کتاب خود از رموزی استفاده کرده که آن‌ها را در مقدمه معرفی نکرده است. این رموز عبارت است از: غض برای ابن‌غضائری (ص ۱۳۰، ش ۶۳۹، ص ۱۳۴-۱۳۵، ش ۶۷۵-۶۸۲، ۶۷۶، ۶۸۴)، عق برای عقیقی (ص ۱۴۱، ش ۷۲۲، ص ۱۵۰، ش ۷۷۶)، ضح برای ایضاح الاشتباه (ص ۱۶۶-۱۶۷، ش ۹۰۳، ۹۰۶) و من لا یحضره الفقیه به رمز یه (ص ۱۰۳ - ۱۰۴، ش ۴۷۸، ص ۲۶۲، ش ۱۶۴۶).

شیخ حر عاملی برای کتاب خود خاتمه‌ای نیز تنظیم کرده که مشتمل بر ۴ فایده رجالی است. او این فواید را بیشتر بر اساس خلاصة الاقوال علامه حلی تنظیم نموده و گاهی نیز به فهرست شیخ طوسی ارجاع می‌دهد. این فواید به ترتیب عبارت است از:

۱. فایده در باب استعمال فراوان «عدة من اصحابنا» در کتاب کافی.

۲. فایده در باب مشخص نمودن برخی راویان مشترک.

۳. فایده در باب برخی طرق شیخ طوسی در تهذیب و استبصار.

۴. فایده در باب طرق صدوق در من لا یحضره الفقیه که مفصل-ترین این فواید است (ص ۳۳، ۲۸۴ - ۳۰۱).

معرفی کتاب و ویژگی‌های آن

این کتاب در ۱۰۷۳ هـ ق و در ۴۰ سالگی شیخ حر عاملی تألیف شده است. بعضی از فهرست‌نگاران به غلط این کتاب را به مولی مراد-بن محمد صادق کشمیری از شاگردان مؤلف منسوب کرده‌اند و منشأ این اشتباه کتابت نسخه‌ای از این کتاب توسط اوست (صص ۱۸ - ۱۹).

برخی ویژگی‌های این کتاب عبارت است از:

- اصرار مؤلف بر اختصار از سراسر کتاب مشهود است.

- ذکر ممدوحان، مذمومان و احیاناً مجاهیل را شامل می‌شود و به مهملان اشاره نمی‌کند. شایان ذکر است مؤلف فایده سیزدهم کتاب مشهور خود و سائل الشیعة را نیز به احوال رجال اختصاص داده، اما در آن‌جا تنها به ذکر ممدوحان و برخی تراجم بسنده نموده است (ص ۱۸).

منابع اصلی مؤلف

عبارت است از:

رجال کشی، رجال نجاشی، رجال و فهرست شیخ طوسی و خلاصة الاقوال علامه حلی.

دیگر منابعی که مؤلف از آن‌ها بهره برده است، عبارت است از:

منابع شیعه

رجال برقی؛ کافی کلینی؛ کمال الدین و تمام النعمة، من لا



یحضره الفقیه، ثواب الأعمال و عیون اخبار الرضا از شیخ صدوق؛ ارشاد شیخ مفید؛ الاستبصار و الغیبة از شیخ طوسی؛ اعلام الوری (ربیع الشیعة) اثر امین الاسلام طبرسی؛ احتجاج از ابومنصور طبرسی؛ معالم العلماء از ابن شهر آشوب؛ البشری از ابن طاووس حلی؛ رجال ابن داود؛ ایضاح الاشتباه از علامه حلی؛ حواشی خلاصة الأقوال، الرعاية فی علم الدراية و روض الجنان فی شرح ارشاد الازدهان از شهید ثانی (صص ۱۸، ۳۳، ۹۵ و ۱۰۵)؛ منهج المقال (ص ۳۵، ش ۴).

منابع اهل تسنن

وفیات الأعیان (ص ۵۱، ش ۹۶)؛ القاموس المحيط (ص ۴۶، ش ۶۵ ص ۱۶۷، ش ۹۰۵).

مؤلف در ترجمه جعفر بن سلیمان ضبعی می‌نویسد: «عامه او را توثیق نموده و او را به زهد و تشیع وصف کرده‌اند»؛ دانسته نیست که مؤلف از کدام یک از کتب اهل تسنن استفاده کرده است، هر چند ممکن است منبع وی، تهذیب الکمال باشد.

مؤلف غالباً آرای رجالیان قبل از خود را ذکر می‌کند، بدون آن که خود اظهار نظر کند؛ اما در برخی موارد اختلافی، نظر خود را بیان نموده است؛ برای نمونه:

جابر بن یزید جعفی: تنها نظر خود را بیان کرده و به منابع پیش از خود ارجاع نمی‌دهد. او می‌نویسد: «هر چند روایات در مدح و ذم او وارد شده است؛ اما مدح ارجح است. رجالیان در باب او اختلاف دارند و اکثراً او را تضعیف نموده‌اند؛ اما آن چه از احادیث ظاهر می‌شود ترجیح مدح است، و ذم مبنی بر تقیه است (ص ۷۵، ش ۲۶۱).

ابان بن عثمان احمر بجلی: ناووسی بودن وی را رد کرده است (صص ۳۵ - ۳۶، ش ۷).

حذیفه بن منصور: توثیق وی اقوی است (ص ۸۵، ش ۳۳۷).
ذریع محاربی: مدح وی را مرجح دانسته است (ص ۱۱۹، ش ۵۷۲).

ابو خدیجة سالم بن مکرم: با آن که وی را برخی از رجالیان تضعیف کرده‌اند، توثیق وی را خالی از قوت ندانسته است (ص ۱۲۹، ش ۶۲۸).

در مواردی برای توثیق (مدح) یا تضعیف (ذم) به روایات و کتب حدیث استناد کرده است (برای نمونه نک. ص ۴۹، ش ۸۳، ص ۶۵، ش ۱۹۲، ص ۱۰۵، ش ۴۹۲، ص ۱۱۹، ش ۵۷۲، ص ۱۸۰، ش ۱۰۱۱)؛ مانند استناد به روایتی از ثواب الاعمال در مدح عبدالعظیم حسنی - (ص ۱۵۳، ش ۷۹۵).

- اگر فردی از راویان دارای کتاب یا اصل باشد بدان اشاره می‌کند (برای نمونه نک. ص ۳۴، ۴۷، ۶۰، ۹۶، ۱۰۶، ۱۸۲، ۲۲۰).

- ضبط صحیح برخی موارد اختلافی را تذکر داده است؛ مانند: احمد بن زیاد الهمدانی - بالمعجمة - (ص ۵۰، ش ۸۹) ابراهیم بن ابی الکرام - مشدداً - (ص ۳۹، ش ۱۸) عبدالله بن جریر - ابن جریر بالضمین و الجیمین - (این قول را از ابن داود نقل کرده است) (ص ۱۵۶، ش ۸۱۶) ابوالجحاف ... و جحاف کشداد (ص ۲۶۵، ش ۲۵) - به اختلاف نسخ اشاره کرده است؛ مانند:

حکم بن بشار که در نسخه‌ای حکم بن یسار ضبط شده است (ص ۱۰۵، ش ۴۸۸ و ۴۹۵)

حسن بن بشار مدائنی که مؤلف نام صحیح وی را حسین می‌داند (ص ۸۷، ش ۳۴۹، ص ۹۶، ش ۴۲۹)

خالد بن ماد قلانسی که نام او به صورت خالد بن زیاد قلانسی نیز آمده است (صص ۱۱۱ - ۱۱۲، ش ۵۲۶ و ۵۳۲؛ برای نمونه‌های بیشتر نک. ص ۹۰، ش ۳۷۴، ص ۹۸، ش ۴۳۸، ص ۷۰، ش ۲۲۶، ۲۲۷ و ۲۳۱)

- در باب اصحاب رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم معمولاً به ذکر اطلاعاتی بسنده کرده و از تصریح به توثیق یا تضعیف خودداری کرده است (نک. ص ۴۵، ش ۵۷، ۵۸، ۶۰، ص ۶۷، ش ۲۰۸ و ۲۰۹، ص ۷۳، ش ۲۵۱، ص ۸۳، ش ۳۲۳، ص ۱۱۴، ش ۵۴۶، ص ۱۶۲، ش ۸۶۸) اما در مواردی به ممدوح بودن یا مذموم بودن برخی از آنان تصریح کرده است. مانند مذموم بودن انس بن مالک (ص ۶۷، ش ۲۰۷) و زید بن ثابت (ص ۱۲۶، ش ۶۱۵) و ممدوح بودن بلال (ص ۷۱، ش ۲۴۲) و ابوذر (ص ۸۰ - ۸۱، ش ۳۰۶).

- در باب فرزندان ائمه اطهار علیهم السلام غالباً به ارشاد شیخ مفید اعتماد نموده است. مانند:

احمد بن موسی بن جعفر الکاظم علیهما السلام (ص ۵۸، ش ۱۳۵)

حسین بن علی بن حسین علیهما السلام (صص ۹۹ - ۱۰۰، ش ۴۴۸)

زید بن علی بن حسین علیهما السلام (صص ۱۲۶ - ۱۲۷، ش ۶۱۸)

عباس بن جعفر بن محمد علیهما السلام (ص ۱۴۸، ش ۷۵۲) عبدالله بن علی بن حسین علیهما السلام (ص ۱۶۰، ش ۸۴۸) محمد بن جعفر بن محمد علیهما السلام (صص ۲۱۴ - ۲۱۵، ش ۱۲۵۵)

- در تعداد قابل توجهی از موارد اختلافی به آرای شهید ثانی در



۲. الوجيهة في الرجال

علامه محمد باقر مجلسی، الوجيهة فی الرجال، تصحيح و تحقيق: محمد كاظم رحمان ستایش، تهران: همایش بزرگداشت علامه مجلسی با همکاری سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸.

مؤلف کتاب

علامه ملا محمد باقر مجلسی مشهور به مجلسی دوم در سال ۱۰۳۷ یا ۱۰۳۸ هـ^{۱۶} در اصفهان به دنیا آمد و در ۲۷ رمضان المبارک ۱۱۱۰ یا ۱۱۱۱ هـ^{۱۷} در همان جا درگذشت و در مسجد جامع اصفهان به خاک سپرده شد.^{۱۸}

علامه مجلسی زندگی خود را در یک خاندان مشهور دینی آغاز کرد. پدر او مجلسی اول (محمد تقی مجلسی) از علمای پرکار

و نویسندگان مشهور دوره خود بود. مجلسی دوم در آخرین سال پادشاهی شاه عباس اول صفوی (حک: ۹۹۶ - ۱۰۳۸ هـ) به دنیا آمد و بنابراین او دوره کودکی و سال‌های نخستین زندگی خود را در عهد شاه صفی (حک: ۱۰۳۸ - ۱۰۵۲ هـ)

طی کرده است. او در علوم عقلی شاگرد آقا حسین خوانساری و در علوم نقلی شاگرد پدرش مجلسی اول بود و این دو مهمترین استادان او به شمار می‌روند. علامه مجلسی از همان دوره شروع تحصیل با شیفتگی در پی کسب دانش و نشر آن بود. نخستین منصب مهم وی امامت جمعه اصفهان بود و مهمترین دوره فعالیت سیاسی و اجتماعی او از هنگامی آغاز می‌شود که شاه سلیمان صفوی (حک: ۱۰۷۷ - ۱۱۰۵ هـ) بر آن شد تا او را به منصب شیخ الاسلامی اصفهان بگمارد. علامه مجلسی در دوران شاه سلطان حسین نیز منصب شیخ الاسلامی اصفهان را در اختیار داشت.^{۱۹} تعیین علامه مجلسی به منصب شیخ الاسلامی اصفهان توسط شاه سلیمان صفوی در روز سه‌شنبه ۱۴ جمادی الاولی ۱۰۹۸ هـ صورت گرفت.^{۲۰} دولت صفوی توجه ویژه‌ای به علامه مجلسی داشت و مراسم تاجگذاری شاه سلطان حسین توسط علامه مجلسی انجام شد و او خطبه سلطنت شاه جدید را در مسجد عباسی خواند.^{۲۱} وی به عنوان نایب امام غایب عجل الله تعالی فرجه، شاه سلطان حسین صفوی (حک: ۱۱۳۵ - ۱۱۰۵ هـ) را نایب خود قرار داد و به نام وی خطبه خواند. نسخه دست‌نوشته فارسی خطبه علامه مجلسی در جلوس شاه سلطان حسین بر تخت، در کتابخانه شماره ۱ مجلس شورای اسلامی، شماره ۲۷۲۱، صفحه ۳۵۷ موجود است.^{۲۲} علامه بانفوذترین عالم واپسین روزگاران حکومت صفویان، در عهد شاه سلیمان و سلطان حسین که ضعیف‌ترین افراد این دودمان به شمار می‌آیند، بود.

تعدیل و ترجیح روات اعتماد نموده است (برای نمونه نک. ص ۸۴، ش ۳۳۳، ص ۱۰۵، ش ۴۹۰، ص ۱۱۱، ش ۵۲۳، ص ۱۳۰، ش ۶۴۰، ص ۱۳۵، ش ۶۸۳).

در کار مؤلف خطاهایی نیز دیده می‌شود. او فهرست منتجب‌الدین را از منابع خود معرفی کرده و برای آن رمز «م» قرار داده است. حال آن که تنها یک بار از آن در باب سیف‌بن عمیره نقل کرده است. جالب آن جا است که مطلب منقول از فهرست منتجب‌الدین در این کتاب نیست بلکه در معالم‌العلمی ابن شهر آشوب است (ص ۳۳). گفتنی است که مؤلف کراراً از اعلام‌الوری (ربیع‌الشیعة) اثر امین‌الاسلام طبرسی نقل کرده است؛ اما به اشتباه آن را از ابن طاووس می‌داند (برای نمونه نک. ص ۴۴، ش ۴۹، ص ۴۷، ش ۷۰، ص ۸۲، ش ۳۱۲، ص ۲۲۳، ش ۱۳۲۱). مؤلف، برای مدح ابویوب انصاری به باب جنائز کافی ارجاع می‌دهد، اما در مصدر مدح ابوسعید خدری است و نه ابو ایوب انصاری (صص ۱۱۱ - ۱۱۲، ش ۵۲۷).

ویژگی‌های نسخه چاپی کتاب

این کتاب برای نخستین بار در ۱۳۸۵ هـ مطابق با ۱۴۲۷ هـ ق به زیور طبع آراسته شد. محقق در ابتدای کتاب ترجمه مؤلف و نمونه‌هایی از اجازات او را آورده و فهرستی از مصادر ترجمه وی ارائه کرده است (همو، صص ۷-۱۷). برای تصحیح این کتاب از پنج نسخه استفاده شده که به ترتیب کمی خطا و افتادگی عبارت است از:

- نسخه کتابخانه شیخ محیی‌الدین مامقانی (نوشته شده در جمادی الآخر ۱۱۷۷ هـ) به رمز م.
- نسخه کتابخانه مرکز احیاء التراث الاسلامی به شماره ۲ / ۲۱۹۲ (نوشته شده در حیات مؤلف به سال ۱۰۸۴ هـ) اقدم نسخ به رمز ک.
- نسخه کتابخانه مرکز احیاء التراث الاسلامی به شماره ۹۰۰ (نوشته شده در ۱۶ ربیع الثانی ۱۱۰۷ هـ) به رمز ر.
- نسخه کتابخانه رضوی به شماره ۹۰۸۹ (نوشته شده در ۳ جمادی الاول ۱۱۸۵ هـ) به رمز ق.
- نسخه کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۷۰۱۵ (نوشته شده در ۱۱۰۶ هـ) به رمز د.

به تصریح مصحح از این کتاب نسخه‌های دیگری نیز موجود است که در فهرستگان نسخه‌های خطی (ج ۱، صص ۲۷۲-۲۷۳) معرفی شده است (همو، صص ۱۹-۲۰).



به نظر می‌رسد که علامه، بقای حکومت صفویه را برای دفاع از مذهب شیعه امامیه و گسترش آن لازم می‌دانسته و هر چند وی با دوره انحطاط و ضعف صفویان معاصر بوده اما بسیار از آنان حمایت کرده است. شگفت آن جا است که وی در حمایت از صفویان تا آن جا پیش رفت که در ۱۰۷۸ هـ رساله‌ای نگاشت و در آن به ترجمه و شرح ۱۴ حدیث از ائمه اطهار علیهم السلام درباره ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه و علایم و نشانه‌های آن، پرداخت. از این رو از این رساله با نام‌هایی چون اثبات الرجعة، رساله رجعت، رساله ظهوریه و شرح چهارده حدیث یاد می‌شود.^{۳۲} علامه این رساله را به شاه سلیمان صفوی تقدیم کرده و از وی با عنوان «شهریار عادل» یاد کرده است. وی در شرح خود بر این احادیث چنین نگاشت که ائمه اطهار علیهم السلام از ظهور دولت صفوی خبر داده و «به اتصال این سلطنت بهیه به دولت قائم آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین، شیعیان را بشارت فرموده‌اند». وی با توضیحی در مورد حروف ابجد و محاسبه حروف مقطعه «الر» که پنج بار در قرآن کریم تکرار شده نتیجه گرفته که امام زمان عجل الله تعالی فرجه در ۱۱۵۵ هـ (شصت و پنج سال بعد از تألیف این رساله) ظهور خواهد نمود و دولت صفویه به دولت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه متصل خواهد شد. حال آن که دولت صفوی در ۱۱۳۵ هـ واژگون شد. چنین تفاسیری از احادیث در همان زمان به‌سختی مورد انتقاد قرار گرفت و یکی از علمای آن عصر به نام سید محمد میرلوحی که از شاگردان برجسته میرداماد (م ۱۰۴۱ هـ) و شیخ بهایی (م ۱۰۳۰ هـ) به شمار می‌رفت، در کتابش موسوم به کفایة المهدی فی معرفة المهدی، به سختی رساله رجعت علامه مجلسی را مورد انتقاد قرار داد و علامه را به خاطر تألیف این رساله سرزنش نمود.^{۳۶}

درجه تأثیر و نفوذ علامه مجلسی در دوران شاه سلطان حسین تا آن جا بوده است که گروهی وجود او را عامل آرامش و نظم دولت صفوی دانسته‌اند. شیخ یوسف بحرانی در مورد علامه مجلسی می‌گوید که او علاوه بر آن که برجسته‌ترین عالم در علم حدیث و دیگر علوم بود و شیخ الاسلام اصفهان نیز به شمار می‌رفت، رهبر دینی و دنیوی، امام جمعه و جماعت نیز به شمار می‌رفت. او حدیث را در کشور ایران نشر داد و احادیث را از زبان عربی به فارسی ترجمه نمود.^{۳۷} از آن جا که ضعف و ناتوانی شگفت‌آوری زمامداری سلطان حسین را فرا گرفته بود برخی بر این نظرند که تدبیر امور در این دوران به دست علامه مجلسی بوده است؛ چنان که خوانساری در روایات الجنات می‌نویسد: «کشور محروسه ایران به تدبیر عالمانه آن جناب برقرار بود».^{۳۸}

وی از بزرگترین مخالفان صفویه به شمار می‌رود و از سال ۱۱۰۶ هـ با استفاده از منصب شیخ الاسلامی، اصلاحات مذهبی را آغاز کرد و به محدود کردن فساد در جامعه پرداخت. بخشی از این اصلاحات، محدود کردن صوفیان و مبارزه با مظاهر صوفیانه‌ای بود که در عرصه عمومی جامعه وجود داشت. از اقدامات مهم علامه مجلسی در زمینه مبارزه با صوفیان و بدعت‌گرایان، ترجمه و اشاعه احادیث به زبان فارسی بود.^{۳۹} «از علامه بحرالعلوم منقول است که آرزو می‌فرمود که تمام مصنفاتش در دیوان عمل مجلسی درج شود و در عوضش در دیوان عمل او نوشته شود یک کتاب از کتاب های فارسی او که ترجمه متون اخبار است و در جمیع اقطار شایع است».^{۴۰}

علامه مجلسی، در مباحث فلسفه، عرفان، اصول‌گرایی و اخبار‌گرایی، نظری میانه داشت و می‌کوشید تا به نوعی با اصل قرار دادن احادیث، نوعی اعتدال در شیوه‌ها و مکتب‌های موجود فقهی و کلامی ایجاد کند.^{۴۱} او از کسانی که زمانی در پی علوم عقلی بوده و پس از آن رو به حدیث اهل بیت علیهم السلام آورده‌اند، بسیار ستایش می‌کند.^{۴۲} مجلسی با اخباریانی چون شیخ حر عاملی و سید نعمت‌الله جزایری (م ۱۰۵۰ هـ) ارتباط و نامه‌نگاری داشت و حدیث‌گرایی خود را انکار نمی‌کند، اما وی در پاسخ به کسانی که «طریقه مجتهدین و اخباریین» را جویا شده‌اند، می‌گوید: «مسلك حقیر در این باب بین و وسط است، افراط و تفریط در جمیع امور مذموم است».^{۴۳}

علامه مجلسی مروج و مجدد مذهب شیعه اثنی عشریه در قرن دوازدهم هجری است. شیخ یوسف بحرانی در مورد او می‌گوید: «او کسی است که در عصر خودش و دوره‌های قبل و بعد از آن مثل و مانندی در ترویج دین و احیای شریعت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم، به وسیله تصنیف و تألیف ندارد».^{۴۴} (الذی لم یوجد له فی عصره و لاقبله و لابعده قرین فی ترویج الدین و احیاء شریعة سید المرسلین (ص) بالتصنیف و التألیف).^{۴۵}

عظمت علامه مجلسی تا آن جاست که یکی از علمای اهل تسنن به نام عبدالعزیز دهلوی در کتاب التحفة الاثنی عشریه فی الرد علی الامامیة تصریح می‌کند که اگر مذهب شیعه را مذهب مجلسی بنامیم اشتباه نیست، زیرا رواج و رونق شیعه از اوست و پیش از وی این چنین نبوده است.^{۴۶}

شهرت علامه مجلسی بیشتر به خاطر تألیف کتاب عظیم بحار الأنوار الجامعة لدرر الأخبار الأئمة الأطهار است که آن را در ۱۰۷۰ هـ طرح‌ریزی کرد و نگارش آن را در ۱۱۰۶ هـ به پایان رساند.^{۴۷} علامه مجلسی با استفاده از موقعیتی که داشت

گروهی از علمای برجسته را در اصفهان گردآورد و به یاری آنان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مجموعه حدیثی جهان شیعه را آفرید. این مجموعه محصول یک برنامه منظم پژوهشی و تألیفی بود که حوزه اصفهان در سال‌های پایانی فرمانروایی صفویان آن را ارائه کرد. علمای مشهوری مانند میرزا عبدالله افندی و سید نعمت‌الله جزائری از برجسته‌ترین شاگردان علامه مجلسی، او را در تألیف بحارالانوار یاری دادند.^{۳۲}

بحارالانوار جامع‌ترین مجموعه روایات شیعی است؛ آن چه در سایر کتب حدیث شیعه به طور پراکنده موجود بوده، در این کتاب یک جا جمع آمده است. نسخه چاپی بحار ۱۱۰ مجلد است و علامه مجلسی با تألیف این کتاب از اتلاف و نابودی کتب حدیث متقدم جلوگیری نمود.^{۳۸} علامه، نسخه‌های قدیمی و معتبری از آثار علمای متقدم شیعه در اختیار داشته که در تألیف بحارالانوار و دیگر آثارش از آن‌ها استفاده کرده است.^{۳۹} در دوران متأخر، او نخستین کسی بود که با تلاشی خستگی‌ناپذیر موفق شد بیش از ۱۳ اصل از اصول چهارصدگانه شیعه^{۴۰} را شناسایی و احیا کرده و به طور مستقیم از خود اصول در بحار نقل حدیث کند. اصول احیا شده توسط علامه مجلسی (بین ۱۳ تا ۱۶ اصل) تنها اصولی هستند که به دست ما رسیده‌اند.^{۴۱} بدون تردید، خدمات غیر قابل انکار علامه مجلسی در گردآوری احادیث شیعه بر هیچ‌کس پوشیده نیست و تکاپوهای علمی و فرهنگی وی در راه گسترش علوم اسلامی و نشر معارف ائمه اطهار علیهم السلام فراموش نشدنی است.^{۴۲}

اساتید و مشایخ علامه مجلسی و علمایی که از آنان روایت کرده است:

۱. قاضی ابوالشرف اصفهانی ۲. ابوالحسن مولى حسن علی شوشتری ۳. قاضی امیر حسین ۴. مولى خلیل ابن‌الغازی قزوینی ۵. شیخ عبدالله بن جابر عاملی ۶. سید شرف‌الدین علی طباطبایی شولستانی ۷. سید نورالدین علی حسینی موسوی عاملی ۸. شیخ علی بن محمد بن حسن بن شهید ثانی ۹. سیدعلی خان حسینی شیرازی مدنی ۱۰. سید فیض‌الله طباطبایی قهبائی ۱۱. محمدتقی مجلسی پدر بزرگوارش ۱۲. شیخ حر عاملی ۱۳. آغا میرزا رفیع‌الدین محمد بن حیدر حسینی حسینی طباطبائی نائینی ۱۴. سید میرزا جزائری ۱۵. مولى محمد شریف رویدشتی اصفهانی ۱۶. مولى محمد صالح سروی طبرسی ۱۷. مولى محمد طاهر شیرازی نجفی قمی ۱۸. سید محمد قاسم طباطبائی قهبائی ۱۹. سید محمد مؤمن بن دوست محمد حسینی الأسترآبادی (القیه الشهید بالحرم الإلهی) ۲۰. مولى محسن فیض کاشانی ۲۱. مولى محمد محسن استرآبادی.^{۳۳}

شاگردان وی و کسانی که از او روایت کرده‌اند:

عده کثیری از علمای مذهب شیعه در نزد او شاگردی کرده‌اند و مجلس درس او مجمع فضلا بوده و چنان که گفته‌اند بیش از هزار نفر در آن شرکت می‌کردند. مهم‌ترین شاگردان وی عبارتند از:

۱. مولى ابراهیم گیلانی ۲. سید ابراهیم بن الامیر محمد معصوم القزوینی ۳. ابوالشرف اصفهانی ۴. حاج ابوتراب ۵. مولى ابوالحسن ابن محمد طاهر بن عبدالحمید الفتونی النباطی العاملی الاصفهانی الغروی ۶. شیخ احمد خطمی بحرانی ۷. مولى عبدالله مدرس ۸. مولى جمشید بن محمد زمان الکسکری ۹. شیخ حسن بن الندی البحرانی ۱۰. میرزا عبدالله افندی ۱۱. شیخ سلیمان ماحوزی بحرانی ۱۲. شیخ عبدالله بن نورالدین صاحب العوالم ۱۳. مولى عبدالله یزدی ۱۴. میر عبدالمطلب ۱۵. آغا میرزا علاءالدین محمد گلستانی ۱۶. امیرعلی خان الجردفادقانی ۱۷. سید علی خان شیرازی مدنی ۱۸. سید علی بن سید محمد اصفهانی امامی ۱۹. مولى علی اصغر مشهدی رضوی ۲۰. امیر عین العارفين حسینی قمی عاشوری ۲۱. مولى محمد ابراهیم سربانی ۲۲. امیر محمد اشرف ۲۳. شیخ محمد اکمل ۲۴. شیخ حر عاملی ۲۵. مولى محمد حسین طوسی البغجمی ۲۶. مولى محمد حسین نوری ۲۷. امیر محمد حسین بن امیر محمد صالح (نوه علامه مجلسی) ۲۸. مولى محمد داود ۲۹. ملا رفیعا گیلانی ۳۰. مولى محمد رضا مجلسی اصفهانی (پسر عموی علامه مجلسی) ۳۱. امیر محمد صادق مازندرانی ۳۲. آغا محمد صادق تنکابنی ۳۳. امیر محمد صالح حسینی قزوینی ۳۴. امیر محمد صالح بن عبدالواسع ۳۵. حاج محمد طاهر بن حاج مقصود علی اصفهانی ۳۶. مولى محمد بن عبدالفتاح تنکابنی ۳۷.



- مولى محمد بن علی اردبیلی غروی حائری ۳۸. شیخ محمد فاضل ۳۹. مولى محمد قاسم هزار جریبی ۴۰. مولى محمد قاسم استرآبادی ۴۱. آغا میرزا محمد مشهدی ۴۲. نورالدین محمد بن مرتضی ۴۳. آیه الله امیر محمد مهدی بن سید ابراهیم ۴۴. حاج محمد نصیر گلپایگانی ۴۵. شیخ محمد بن یوسف بن علی بن کنبار النعمی البلادی ۴۶. مولى محمود طیبسی ۴۷. حاج محمود بن غیاث‌الدین محمد اصفهانی ۴۸. مسیح‌الدین محمد شیرازی ۴۹. سید نعمه الله موسوی جزائری.^{۴۴}

آثار:

- الف) آثار عربی: ۱. بحارالانوار ۲. مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول ۳. ملاذ الأخیار فی شرح تهذیب الأخبار ۴. شرح الاربعین ۵.



الفوائد الطريفة في شرح الصحيفة ٦. الوجيزه في الرجال ٧. رسالة الاعتقادات ٨. رسالة الأوزان (اولين تأليف علامه مجلسي) ٩. رسالة في الشكوك ١٠. المسائل الهنديه ١١. الحواشي المتفرقه على الكتب الأربعة و غيرها ١٢. رسالة في الأذان ١٣. رسالة في بعض الأدعية السافظه عن الصحيفة الكاملة^{٤٥}

(ب) آثار فارسی:

١. عين الحياة ٢. مشكاة الانوار مختصر عين الحياة ٣. حق اليقين (آخرين تأليف علامه مجلسي) ٤. حلية المتقين ٥. حياة القلوب ٦. تحفة الزائر ٧. جلاء العيون ٨. مقياس المصبايح ٩. ربيع الأسابيع ١٠. زاد المعاد ١١. رسالة الديات ١٢. رسالة في الشكوك ١٣. رسالة في الأوقات ١٤. رسالة في الرجعة ١٥. رسالة في اختيارات الأيام ١٦. رسالة في الجنة و النار ١٧. رسالة مناسك الحج ١٨. رسالة أخرى ١٩. مفاتيح الغيب في الاستخارة ٢٠. رسالة في مال الناصب ٢١. رسالة في الكفارات ٢٢. رسالة في آداب الرمي ٢٣. رسالة في الزكاة ٢٤ - رسالة في صلاة الليل ٢٥ - رسالة في آداب الصلاة ٢٦. رسالة السابقون السابقون ٢٧. رسالة في الفرق بين الصفات الذاتية و الفعلية ٢٨. رسالة مختصره في التعقيب ٢٩. في البداء ٣٠. رسالة في الجبر و التفويض ٣١. رسالة في النكاح ٣٢. رسالة صواعق اليهود في الجزية و أحكام الديه ٣٣. رسالة في السهام ٣٤. رسالة في زيارة أهل القبور ٣٥. مناجات نامه ٣٦. شرح دعاء الجوشن الكبير ٣٧. إنشادات كتبها بعد المراجعة من المشهد الغري في الشوق إليه ٣٨. كتاب مشكاة الانوار في آداب قراءة القرآن و الدعاء و شروطهما ٣٩. ترجمه عهد امير المؤمنين به مالك اشتر ٤٠. ترجمه فرحة الغري اثر ابن طاووس ٤١. ترجمه توحيد مفضل ٤٢. ترجمه توحيد الرضا عليه السلام ٤٣. ترجمه حديث رجاء بن أبي الضحاک ٤٤. ترجمه زیارت جامعه ٤٥. ترجمه دعای کمیل ٤٦. ترجمه دعای مباهله ٤٧. ترجمه دعای سمات ٤٨. ترجمه دعای جوشن صغیر ٤٩. ترجمه حديث عبدالله بن جنذب ٥٠. ترجمه قصیده دعبل ٥١. ترجمه حديث سته أشياء ليس للعباد فيها صنع ٥٢. ترجمه نماز ٥٣. أجوبة المسائل المتفرقه^{٤٦}

نیز تنظیم نموده که به ذکر اسانید صدوق در من لایحضره الفقیه اختصاص دارد و در انتهای آن طریق خود تا شیخ صدوق را بیان کرده است (صص ۲۱۵ - ۲۵۳).

مجلسی دوم به جهت رعایت اختصار علائمی را برای اصطلاحات رجالی در نظر گرفته که در مقدمه به این علائم اشاره کرده و در متن کتاب از آن‌ها استفاده می‌کند. مانند (ق) برای ثقة غیر امامی، (ح) مدوح، (ض) ضعیف، (م) مجهول و (ثقه) برای امامی عادل ضابط (ص ۹).

معرفی کتاب و ویژگی‌های آن

مؤلف این کتاب را به خواست جمعی از طلاب علوم دینی در ۱۰۶۳ هـ ق تألیف نموده و احوال راویان را بر حسب اجتهاد خویش بیان می‌کند و معمولاً تنها به ذکر نظر خویش بسنده کرده و به کتب پیش از خود ارجاع نمی‌دهد (ص ۱، ۳)؛ هر چند از اظهار نظرهای رجالی وی منابع اصلی وی قابل شناسایی و عبارت است از: رجال کشی، رجال نجاشی، ارشاد مفید، رجال و فهرست شیخ طوسی، رجال ابن‌غضائری، اعلام الوری (ربیع الشیعة) از امین-الاسلام طبرسی، رجال ابن‌داوود، خلاصة الاقوال علامه حلی و الرعاية فی علم الدراية از شهید ثانی. گفتنی است در توثیق و مدح برخی راویان نیز به اخبار کتب اربعه استناد کرده است (صص ۴ - ۵).

برخی ویژگی‌های این کتاب عبارت است از:

- بسیار بر اختصار اصرار دارد و حتی از رجال معاصرش، شیخ حر عاملی نیز مختصرتر است و در واقع خلاصه‌ای است از اجتهادات مؤلف در رجال بر اساس آرای رجالیان پیشین (ص ۵). مؤلف علت این اختصار را تسهیل استفاده برای طالبان علوم دینی ذکر کرده است (ص ۹).

- اسامی مجاهیل را نیاورده است (نک. ص ۸۴ - ۸۷).

- در موارد متعددی تنها از علائم استفاده نکرده، بلکه توضیحی در باب راوی آورده است (برای نمونه نک. ص ۲۱، ش ۱۰۳، ۱۰۶ و ۱۰۸، ص ۲۳، ش ۱۲۲، ص ۵۱، ش ۴۴۳).

- در موارد متعددی پس از نام راوی تنها به ذکر «أسند عنه» بسنده کرده است (برای نمونه نک. ص ۱۱-۱۵، ش ۶، ۸، ۱۰، ۲۵، ۳۷، ۴۴، ۴۸، صص ۱۰۲ - ۱۰۳، ش ۱۰۳۳، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۴۰، ۱۰۴۳، ۱۰۵۰). از آن جا که معنای دقیق این اصطلاح مورد اختلاف رجالیان بوده و هست و معانی متعددی برای آن گفته‌اند، به احتمال فراوان علامه مجلسی در این باب نظر پدر خود را داشته است. مجلسی اول در معنای این اصطلاح که از زمان شیخ طوسی معمول بوده، چنین گفته است: «مراد از آن، این است که شیوخ از صاحب

روش مؤلف در تنظیم کتاب

ترتیب رجال در این کتاب بر اساس نام راویان به ترتیب حروف الفبا است و به هر حرفی از حروف الفبا یک باب اختصاص داده شده است (ص ۲۰۲). پس از این ابواب چون غالب کتب رجال باب کنیه‌ها، باب اسامی راویانی که نامشان با این آغاز می‌شود و باب القاب قرار دارد (جمعاً ۲۳۶۷ عنوان، ص ۲۱۴). مؤلف برای کتاب خود خاتمه‌ای

ترجمه روایت کرده و به او اعتماد کرده‌اند و مانند توثیق است»^{۳۷}.
- عده‌ای را با ذکر این که از اصحاب اجماع است، توثیق نموده است (برای نمونه نک. ص ۴۸، ش ۳۹۹، ص ۱۰۵، ش ۱۰۶۴، ص ۱۷۲، ش ۱۸۰۳، ص ۱۸۱، ش ۱۹۱۸).

- گروهی را با ذکر این که از وکلای ناحیه مقدسه و از سفرا بوده‌اند، توثیق نموده است (نک. ص ۱۶۱ - ۱۶۷، ش ۱۶۹۴، ۱۶۹۸، ۱۷۳۸، ۱۷۴۲ و ۱۷۵۶).

- در مواردی به مدح یا ذم راوی تصریح نکرده است (نک. ص ۱۱۱، ش ۱۱۲۸، ص ۱۶۱، ش ۱۶۹۳، ص ۱۸۰، ش ۱۹۱۳).

- در ترجمه فرزندان - ائمه علیهم السلام - معمولاً از علامت (ح) (= ممدوح) استفاده کرده است؛ مانند:

عمر بن علی بن حسین - علیهما السلام - (ص ۱۳۳، ش ۱۳۶۷)
- علی بن عبیدالله بن علی بن حسین علیهما السلام (ص ۱۲۵، ش ۱۲۸۳) - عبدالله بن علی بن حسین علیهما السلام (ص ۱۰۸، ش ۱۰۹۹)

اما علی بن جعفر صادق - علیه السلام - را ثقه جلیل و علی (اکبر) بن حسین علیهما السلام را از سادات شهدا خوانده است (ص ۱۲۰، ش ۱۲۳۵، ص ۱۲۲، ش ۱۲۴۷). وثاقت محمد بن جعفر صادق - علیه السلام - را مورد اختلاف دانسته و عبدالله بن جعفر صادق - علیه السلام - را مذموم معرفی کرده است (ص ۱۰۵، ش ۱۰۶۸، ص ۱۵۴، ش ۱۶۲۱).

- جالب آن جا است که غالباً در ترجمه غالبان مشهور به ذکر (ض) (= ضعیف) بسنده کرده است؛ مانند: حسین بن حمدان خصیبی (ص ۶۲، ش ۵۵۷) - حمزة بن عماره بربری (ص ۷۰، ش ۶۴۰) - ابو الخطاب (ص ۱۷۲، ش ۱۸۱۰) - مغیره بن سعید (ص ۱۸۲، ش ۱۹۳۱) - محمد بن علی شلمغانی (ص ۱۶۷، ش ۱۷۶۰) - فارس بن حاتم قزوینی (ص ۱۳۸، ش ۱۴۲۱) و حتی عبدالله بن سبا (ص، ۱۰۷، ش ۱۰۸۱).

اما در ترجمه مخالفان و دشمنان اهل بیت علیهم السلام معمولاً لحن او شدیدتر است. مانند:

زبیر: مشهور ملعون (ص ۸۱، ش ۷۶۴) - خالد بن ولید: یکی از ملعونان (ص ۷۳، ش ۶۶۹) - بسر بن ارقطه: ملعون (ص ۳۷، ش ۲۸۲) - حسین بن منصور حلاج: ذم فراوانی در باب او وارد شده است (ص ۶۶، ش ۵۹۷).

- برخی مشترکات را بیان کرده و روش تمییز آنان را به اختصار توضیح داده است (برای نمونه، نک. ص ۵۵، ش ۴۸۱ و ۴۸۲، ص ۱۷۱، ش ۱۷۹۸ - ۱۸۰۰، ص ۱۷۴، ش ۱۸۳۱ و ۱۸۳۲، ص ۱۷۶، ش ۱۸۵۲ و ۱۸۵۳).

- راویان ضعیفی که از مشایخ اجازه باشند، ضعف آنان را مضر به

سند ندانسته است (نک. ص ۹۱، ش ۸۸۳، ص ۱۸۱، ش ۱۹۲۳).
- در مواردی به توثیق ابن طاووس (ص ۱۵، ش ۴۰، ص ۶۴، ش ۵۷۰)، در مواردی به توثیق مفید (ص ۷۶، ش ۷۰۷، ص ۱۸۰، ش ۱۹۰۸، ص ۱۸۹، ش ۲۰۱۵، ص ۱۹۹، ش ۲۱۱۹) و نیز توثیق شهید ثانی (ص ۱۳۲، ش ۱۳۵۹ = عمر بن حنظله) اعتماد نموده است.

- به آرای صدوق در باب مصنفات اصحاب اعتماد کرده است؛ مانند موضوع بودن کتاب زید زراد و زید نرسی (ص ۸۴، ش ۸۰۱ - ۸۰۲) و موضوع بودن کتاب خالد بن عبد الله بن سدید (ص ۷۳، ش ۶۶۷).

- در مواردی به نقد نظر پیشینیان پرداخته است. برای نمونه در باب حمزه بن محمد علوی با نقل این که صدوق بسیار در مورد او «رضی الله عنه» به کار برده، او را تضعیف کرده است (ص ۷۱، ش ۶۴۲). (برای نقد نظر علامه حلی، نک. ص ۱۲۹، ش ۱۳۱۸، ص ۲۰۱، ش ۲۱۳۹).

- رجال وی منحصر به راویان متقدم خصوصاً راویان کتب اربعه نیست. بلکه متأخران و علمای قرون بعد از قرن پنجم را نیز شامل می‌شود؛ مانند ابن شهر آشوب (ص ۱۶۷، ش ۱۷۵۱)، خواجه نصیر (ص ۱۷۰، ش ۱۷۸۹)، ابن طاووس (ص ۱۲۸، ش ۱۳۱۴)، یحیی بن سعید حلی (ص ۱۹۶، ش ۲۰۸۲)، شهید اول (ص ۱۷۲، ش ۱۸۱۱) و شهید ثانی (ص ۸۴، ش ۸۰۳).

- از آرای قابل توجه وی، می‌توان به توثیق محمد بن سنان (ص ۱۶۱، ش ۱۶۹۱) و داوود بن کثیر رقی (ص ۷۷، ش ۷۱۴) اشاره کرد.



ویژگی‌های نسخه چاپی کتاب:

برای نخستین بار این کتاب در ۱۴۱۵ هجق به تحقیق عبدالله السبزی الحجاج و به اشراف سید محمد حسین حسینی جلالی در بیروت به همت مؤسسه‌ی علمی للمطبوعات با عنوان رجال المجلسی به چاپ رسید که برای تصحیح آن تنها از یک نسخه استفاده شده بود. اغلاط فراوان این چاپ سبب شد تا بار دیگر در همایش بزرگداشت علامه مجلسی به تصحیح و تحقیق محمد کاظم رحمان ستایش به سال ۱۳۷۸ هجری شمسی در تهران چاپ شود. مصحح نسخ فراوانی (بیش از ۱۲۰ نسخه) از این کتاب شناسایی کرده که حدود ۱۰ نسخه آن در زمان حیات مؤلف کتابت شده است؛ اما در تصحیح این کتاب تنها از چهار نسخه استفاده شده که عبارت است از:

- نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۸۰۶۷ که کامل و دارای حواشی مؤلف است (به رمز أ).

- نسخه مدرسه نمازی خوی به شماره ۶۱۶ به خط محمد باقر

بقائی که در ۱۰۹۰ هجری کتابت شده است (به رمز ب).
 - نسخه کتابخانه شیخ محیی الدین مامقانی که در ۱۱۷۷ کتابت شده است (به رمز ج).
 - نسخه کتابخانه ملک به شماره ۱ / ۳۵۲۴ که در ۱۰۶۳ هجری کتابت شده و اقدم نسخ است اما افتادگی‌های بسیار دارد (صص ۲-۷).

پی‌نوشت‌ها:

۱. هو العلم بأحوال رواة الحديث من حيث القبول او الرد؛ جدیدی نژاد، ۱۴۲۳، ص ۲۳.
 ۲. آقا بزرگ طهرانی، ج ۱۰، ص ۸۰؛ سبحانی، ص ۱۱ و ۱۷.
 ۳. آن چه در این جا آمده است، در باب کتب رجالی شیعه است؛ برای آشنایی با منابع و کتب رجالی اهل تسنن، نک. محمدرضا جدیدی نژاد، دانش رجال از دیدگاه اهل سنت، قم، ۱۳۸۱ ش.
 ۴. آیه الله العظمی سبحانی، در انتساب این کتاب به احمد بن محمد بن خالد تردید کرده و آن را از تألیفات نوه او یعنی احمد بن عبدالله بن احمد برقی می‌داند؛ سبحانی، ص ۶۷-۶۸.
 ۵. به تمامی در بخش اصحاب الصادق علیه السلام از رجال طوسی آمده است.
 ۶. نک. خامنه‌ای، ص ۳۶.
 ۷. امروزه تنها تلخیص شیخ طوسی از آن باقی مانده است.
 ۸. کتاب او کامل به ما نرسیده و بخش مهمی از آن چه به ما رسیده، باید از بخش کتاب الضعفاء رجال وی باشد.
 ۹. نک. آقا بزرگ طهرانی، ج ۱۰، ص ۹۸-۹۹؛ رحمان ستایش، ص ۱۰-۲۲، ۵۰؛ سبحانی، ص ۵۳-۱۲۹؛ برای آشنایی بیشتر با کتب رجالی شیعه، نک. آقا بزرگ طهرانی، ج ۱۰، ص ۸۰-۱۶۱.
 ۱۰. منسوب به مشغره یکی از قرای جبل عامل.
 ۱۱. اولین کتاب او است و در میان شیعیان کسی قبل از وی احادیث قدسی را جمع نکرده بود.
 ۱۲. چاپ شده در مختاری و صادقی، ص ۱۰۱-۱۸۴.
 ۱۳. چاپ شده در: جعفریان، ج ۳، ص ۱۱۴۸-۱۱۵۳.
 ۱۴. در حدود بیست هزار بیت که اکثر آن مدح معصومان - علیهم السلام - است.
 ۱۵. بحرانی، ص ۷۶-۷۹؛ جعفریان، ج ۲، ص ۵۷۸، ۷۱۲؛ فرهانی منفرد، ص ۱۳۶، ۱۶۰، ۱۶۴، ۱۷۰.
 ۱۶. عباس قمی ۱۰۳۷ هجری را صحیح دانسته و به ماده تاریخ «جامع کتاب بحار الانوار» (= ۱۰۳۷) استشهاد کرده است؛ قمی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۶۷۰.
 ۱۷. عباس قمی ۱۱۱۰ هجری را اشتهر دانسته و ماده تاریخ ذیل را ذکر کرده است:
- «ماه رمضان» (= ۱۰۳۷) چو بیست و هفتش کم شد تاریخ وفات باقر اعلم شد (= ۱۱۱۰)؛ همان، ص ۶۷۱.
۱۸. مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۹؛ امین، ج ۱۳، ص ۴۳۴؛ صفت گل، ص

- ۲۱۸؛ هالم، ص ۱۷۹.
۱۹. صفت گل، ص ۲۱۸-۲۱۹.
۲۰. خاتون آبادی، ص ۵۴۰.
۲۱. نصیری، ص ۲۱-۲۴.
۲۲. فرهانی منفرد، ص ۱۱۳، ۱۴۵.
۲۳. این رساله اخیراً به تحقیق سید حسن موسوی به چاپ رسیده است (قم: دلیل ما، ۱۳۸۴).
۲۴. قمی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۲۲۶-۲۲۷.
۲۵. مدرسی طباطبائی، ص ۱۵.
۲۶. فرهانی منفرد، ص ۱۲۳-۱۲۶.
۲۷. صفت گل، ص ۲۲۱-۲۲۲.
۲۸. فرهانی منفرد، ص ۱۵۶.
۲۹. جعفریان، ج ۲، ص ۵۸۶-۵۸۷؛ فرهانی منفرد، ص ۱۶۳، ۱۶۸-۱۶۹.
۳۰. قمی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۶۶۹.
۳۱. جعفریان، ج ۲، ص ۵۹۱.
۳۲. مجلسی، ۱۴۱۰، ص ۱۵۸-۱۵۹، ۱۸۶، ۲۳۷.
۳۳. فرهانی منفرد، ص ۱۶۰-۱۶۱.
۳۴. مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۵-۶.
۳۵. امین، ج ۱۳، ص ۴۳۵.
۳۶. فرهانی منفرد، ص ۱۶۰-۱۶۱.
۳۷. صفت گل، ص ۲۲۱-۲۲۲.
۳۸. مطهری، ص ۴۷۳.
۳۹. جعفریان، ج ۲، ص ۸۲۳-۸۲۴.
۴۰. در نوشتن یک اصل، نویسنده بدون کوششی در جهت مدون‌سازی، احادیث مسموع خود را تنها با کتابت به ضبط می‌آورده است. در میان امامیه، اعتبار اصل زمانی بود که از زبان معصوم علیه السلام صادر شده و طریق آن تا معصوم علیه السلام متصل باشد. در مورد اصطلاح اصل نک. حاج منوچهری، ص ۲۱۸-۲۲۰؛ ربانی، ۱۷۷-۱۹۸.
۴۱. کولبرگ، صص ۸۳-۸۴.
۴۲. فرهانی منفرد، ص ۱۲۷.
۴۳. مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۹-۲۲.
۴۴. همان، صص ۲۳-۲۸.
۴۵. همان، صص ۸-۱۲.
۴۶. همان، صص ۱۳-۱۴.
۴۷. جدیدی نژاد، ۱۴۲۴، صص ۲۱-۲۲.

منابع:

۱. امین، سیدمحسن، اعیان الشیعه، تحقیق سیدحسن امین، بیروت، ۱۴۲۰؛
۲. بحرانی، یوسف بن احمد، لؤلؤة البحرین فی الإجازات و تراجم رجال الحديث، تحقیق سیدمحمدصادق آل بحر العلوم، قم،

- مؤسسة آل البيت عليهم السلام، [بی تا]:
۳. بروجردی، سیدعلی اصغر بن محمد شفیع جابلقی، طرائف المقال فی معرفة طبقات الرجال، به کوشش سیدمهدی رجائی، قم، ۱۴۱۰؛
۴. جدیدی نژاد، محمدرضا، دانش رجال از دیدگاه اهل سنت، قم، ۱۳۸۱ ش / ۱۴۲۳؛
۵. همو، معجم مصطلحات الرجال و الدرابة، به اشرف محمد کاظم رحمان ستایش، قم، ۱۳۸۲ ش / ۱۴۲۴؛
۶. جعفریان، رسول، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، قم، ۱۳۷۹ ش؛
۷. حاج منوچهری، فرامرز، «اصل»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۹ ش، ج ۹، ص ۲۱۸ - ۲۲۰؛
۸. حر عاملی، محمدبن حسن، الرجال، تحقیق علی فاضلی، قم، ۱۳۸۵ ش / ۱۴۲۷؛
۹. خاتون آبادی، عبدالحسین، وقایع السنین و الاعوام، به کوشش محمداقربابیهودی، تهران، ۱۳۵۲ ش؛
۱۰. خاقانی، علی، رجال، تحقیق سیدمحمدصادق بحر العلوم، قم، ۱۴۰۴؛
۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی، چهار کتاب اصلی علم رجال، تهران، ۱۳۷۷ ش؛
۱۲. ربانی، محمدحسن، بررسی نظریات رجالی امام خمینی، قم، ۱۳۸۴ ش؛
۱۳. رحمان ستایش، محمدکاظم، آشنایی با کتب رجالی شیعه، تهران، ۱۳۸۵؛
۱۴. سبحانی، جعفر، کلیات علم رجال، ترجمه مسلم قلی پور گیلانی و علی اکبر روحی، قم، ۱۳۸۵؛
۱۵. صفت گل، منصور، ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، تهران، ۱۳۸۱ ش؛
۱۶. طهرانی، آقا بزرگ، الذریعة الی تصانیف الشیعة، بیروت، ۱۴۰۳؛
۱۷. فرهانی منفرد، مهدی، مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفوی، تهران، ۱۳۷۷ ش؛
۱۸. قمی، عباس، الفوائد الرضویة فی احوال علماء المذهب الجعفریة، تحقیق ناصر باقری بیدهدی، قم، ۱۳۸۵ ش؛
۱۹. همو، الکنی و الالقاب، تهران، [بی تا]؛
۲۰. کلباسی، ابوالهدی، سماء المقال فی علم الرجال، تحقیق سیدمحمد حسینی قزوینی، قم، ۱۴۱۹؛
۲۱. کنی، علی، توضیح المقال فی علم الرجال، تحقیق محمد حسین مولوی و محمد باقری، قم، ۱۳۷۹ ش / ۱۴۲۱؛
۲۲. کولبرگ، اتان، «الاصول الاربعیئة (اصل های چهارصدگانه)»، ترجمه محمدکاظم رحمتی، علوم حدیث، سال پنجم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۹ ش؛
۲۳. مجلسی، محمد باقر، اجازات الحدیث، تحقیق سیداحمد حسینی، قم، ۱۴۱۰؛
۲۴. همو، بحار الانوار، تهران، ۱۳۶۲ ش؛
۲۵. همو، کتاب رجعت، تحقیق سید حسن موسوی، قم، ۱۳۸۴ ش؛
۲۶. همو، الوجیزة فی الرجال، تصحیح و تحقیق محمدکاظم رحمان ستایش، تهران، ۱۳۷۸ ش / ۱۴۲۰؛
۲۷. مختاری، رضا و صادقی، محسن، میراث فقهی (۱): غنا، موسیقی، قم، ۱۳۷۷ ش / ۱۴۱۹؛
۲۸. مدرسی طباطبائی، سیدحسین، مقدمه‌ای بر فقه شیعه، ترجمه محمد آصف فکرت، مشهد، ۱۳۶۸ ش؛
۲۹. مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران، ۱۳۶۲ ش؛
۳۰. نصیری، محمدابراهیم بن زین العابدین، دستور شهریاران، به کوشش محمد نادر نصیری مقدم، تهران، ۱۳۷۲ ش؛
۳۱. هالم، هاینس، تشیع، ترجمه محمدتقی اکبری، تهران، ۱۳۸۵ ش.